

بخش دوم:

طبیعت محیط معامله گری

از چشم انداز روانی

در فصول ۱ و ۲ برخی از مشکلات معامله‌گری ارائه شده است. در شش فصل بعد، توضیحات بسیار روشن‌تری درباره ویژگی‌های محیط بازار از دیدگاه روانی برای معامله‌گران شخصی می‌دهم. از این منظر برای شما روشن می‌شود که چگونه محیط بازار با محیط‌های فرهنگی دیگر بسیار متفاوت است و شما می‌آموزید که تابعی از آن باشید. این مسأله با برخی از چالش‌های بسیار غیر عادی در مقابل شما قرار خواهد گرفت. هدف اولیه من این است که شما به درستی درک کنید که چگونه هر درجه از موفقیت برای یک معامله‌گر قابل از دست رفتن است و چرا ممکن است برای موفقیت در محیط بازار، نیاز به تغییر برخی از نگرش‌ها و باورهای عمیق و دیرینه فرهنگی داشته باشید.

فصل ۳

حق همیشه با بازار است

اگر تمام معاملات در هر قیمتی که هستند متوقف شوند، آخرین قیمتی که مشاهده می‌کنید نماینده چیست؟ اساساً این قیمت (و یا هر نماد تجاری) نماینده باور جمعی تمام معامله‌گران فعلی بازار در مورد ارزش مورد نظر آن نماد است. قیمت فعلی بازتاب مستقیم باور تمام معامله‌گرانی است که با وارد شدن در معامله در نیروی قیمت سهیم شده‌اند. بنابراین وقتی دو معامله‌گر یکی تمایل به خرید دارد و دیگری در همان قیمت تمایل به فروش دارد، آن‌ها با این کار علاوه بر اینکه معامله‌ای را انجام داده‌اند، بازار را نیز ایجاد کرده‌اند.

تمام ملزومات برای ایجاد یک بازار دو معامله‌گر است که تمایل دارند در یک قیمت معامله کنند. بدون اینکه معیارهای آن‌ها برای تعیین ارزش آن نماد، خواه منطقی و خواه غیرمنطقی، بامعنا یا بی‌معنا، با سیستم باورهای شما یا هر کس دیگر، در نظر گرفته شود. اگر دو معامله‌گر با انجام معامله، حاضر به ابراز عقیده خود در رابطه با ارزش آینده باشند، آن‌ها یک بازار ساخته‌اند مگر اینکه معامله غیر عملی باشد.

آنچه شما می‌خواستید، فکر، باور و یا انتظار، نتیجه یک طرح کلی از چیزی نیست، مگر اینکه بتوانید با حجم کافی معامله کنید و برای کنترل بازار، قیمت‌ها را در جهتی که مطلوب شما است، حرکت دهید. برای این کار باید شخصاً نیروی قوی و کافی خرید و یا فروش را ایجاد کنید تا بتواند تمام خرید و یا فروش‌های ایجاد شده توسط معامله‌گرانی که با شما موافق نیستند را جذب نماید، و در هر لحظه با قدرت مالی کافی، قیمت را به سمتی که مورد دلخواه است هدایت نمایید.

برای یک ناظر، رفتار بازار عبارت است از هر نوع معامله‌ای که حرکت قیمت را ایجاد

می‌کند. قیمت‌ها می‌توانند بعضی چیزها را در مورد ثبات بازار و میزان پتانسیل مسیر حرکت بازار نشان دهند. اگر شما بتوانید معانی و مفاهیم را تشخیص دهید و این معانی را در یک چهارچوب کاری قرار دهید، یک فرصت را تعریف کرده‌اید. اگر بتوانید بالا و پایین بودن نسبت به برخی نقاط را درک کنید، حرکات قیمت برای خریدن در پایین و فروختن در بالا و یا برعکس فرصت ایجاد می‌کند. حرکت در هر مسیری معادل مقدار نیرویی است که برای ایجاد آن حرکت اعمال می‌شود.

به عنوان مثال اگر قیمت‌ها در تمام مدت به سمت پایین بروند، ممکن است اعتقاد داشته باشید که این حرکت بازار بی‌معنی است مگر اینکه بتوانید شخصاً معامله‌ای با حجم کافی برای برگشت قیمت انجام دهید. باید در نظر داشته باشید که برای ریزش مداوم قیمت، باید بیش‌تر معامله‌گران اعتقاد داشته باشند که قیمت جاری بالاتر از ارزش مورد نظر آن‌ها است، حداقل تعداد کافی بر این باور هستند که ریزش مداوم قیمت‌ها فرصتی برای فروش خواهد بود. پیروی از این طریق و ادامه پایین رفتن قیمت‌ها نشان می‌دهد که تعداد زیادی از معامله‌گران فعال در بازار معتقدند که قیمت‌ها همچنان بالا هستند و در نتیجه به تعداد دیگری از معامله‌گران که مایل به خرید در این قیمت هستند می‌فروشند.

شاید اعتقاد شما نسبت به ارزش و دلایل شما برای این اعتقاد بالاترین کیفیت را داشته باشد، اما اگر بازار همگام با باورهای شما نباشد، واقعاً اهمیتی ندارد که چه میزان فرایند استدلال شما برتر و درست باشد و یا چقدر به کیفیت اطلاعات خود اعتقاد دارید. زیرا قیمت‌ها همیشه به سمت بزرگ‌ترین نیرو خواهند رفت. یک نکته مهم اینکه بر خلاف محیط اجتماعی، اعتبارنامه‌های علمی، درجه شهرت، حتی یک هوش بالا، در محیط بازار هیچ مزیتی ایجاد نمی‌کند. معامله‌گران با انجام معامله بر اساس باورهایشان در مورد آینده عمل می‌کنند، تنها نیرو می‌تواند قیمت‌ها را به حرکت وادار کند. حرکت قیمت‌ها برای بدست آوردن پول فرصت ایجاد می‌کند و هدف از معامله‌گری بدست آوردن پول است. هم‌چنین طفره رفتن از معامله کردن، برای محافظت از ارزش دارایی‌های خود، کار

بسیار لازمی است.

هر شخص معامله‌گر تعیین می‌کند که چه شرایطی در بازار فرصت انجام معامله را ایجاد می‌کند، بدون در نظر گرفتن امکان اشتباه شما، اگر نتیجه فعالیت جمعی همه معامله‌گران شرکت‌کننده در بازار در تقابل با معامله شما باشد، بنابراین حق با آن‌ها است و این شما هستید که پول تان را از دست می‌دهید.

بازار هرگز در کاری که انجام می‌دهد اشتباه نمی‌کند، فقط رفتار بازار مهم است. بنابراین به‌عنوان یک معامله‌گر شخصی فعال در بازار، اول به‌عنوان یک ناظر فرصت را درک کن. دوم در اجرای معاملات شرکت کن. سوم از حرکات کلی بازار کمک بگیر. جایی که با محیط بازار مقابله می‌کنید، فقط شما هستید که اشتباه می‌کنید و هیچ گزینه دیگری وجود ندارد. به‌عنوان یک معامله‌گر تصمیم بگیرید چه چیز مهم‌تر است، بر حق بودن یا بدست آوردن پول، زیرا این دو همیشه با همدیگر سازگار نیستند.